





دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

**پیامدهای سیاسی افزایش تعداد دختران در دانشگاههای ایران (۱۳۷۷-۱۳۸۸)**

**استاد راهنما:**

دکتر مجتبی عطارزاده

**استاد مشاور:**

دکتر سیدجواد امام جمعه زاده

**پژوهشگر:**

مهدی رضایی

آذر ماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،  
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق  
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه  
اصفهان است.

**با سپاس فراوان از زحمات بی دریغ اساتید بزرگوارم :**

**جناب آقای دکتر مجتبی عطار زاده**

**جناب آقای دکتر سید جواد امام جمعه زاده**

**و**

**تقدیم به بهترین یاران زندگی ام :**

**پدر و مادر عزیزم**

**خورشید حیاتم همسر عزیزم**

**روح بلند والای محمد صادق رضایی**

## چکیده

زنان در طول تاریخ همواره از جمله اقشار ضعیف و محروم جامعه بوده اند که در اشکال مختلف و در عرصه های گوناگون اجتماعی مورد تبعیض و محرومیت قرار گرفته اند، در صورتی که در حیات بشری، از کارکرد و جایگاه رفیعی برخوردار می باشند. زنان از سویی نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند و از سوی دیگر پرورش دهنده و تربیت کننده نیمه دیگر جامعه می باشند. بر همین اساس پرداختن به مسائل و تحولات مربوط به آنان در جامعه، از اهمیت و ارزش بسزایی برخوردار است. از جمله تحولات مربوط به زنان که طی دهه های اخیر در کشورمان شاهد آن بوده ایم پدیده افزایش حضور دختران در دانشگاههای کشور می باشد. مسئله ای که بی شک در آینده اثرات و پیامدهای مختلفی در عرصه های گوناگون اجتماعی در پی خواهد داشت. در واقع می توان گفت این موضوع توجه بسیاری از صاحب نظران رشته های مختلف را به خود معطوف نموده است و در قبال آن رویکرد های متفاوتی اتخاذ شده است به صورتی که برخی پیدایش این پدیده را مثبت و آن را یک فرصت برای جهش کشور در مسیر توسعه ارزیابی کرده اند و در مقابل عده ای با بیان پیامدهای منفی این مسئله، آن را مقدمه ای برای یک بحران در آینده می دانند. با توجه به مطالب گفته شده هدف از این پژوهش بررسی پیامدهای این رخداد از منظر سیاسی می باشد.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی می باشد که سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به این موضوع پرداخته شود. یافته های این جستار نشان دهنده آنست که اگرچه افزایش دختران در دانشگاهها و علم آموزی آنان منجر به بالارفتن سطح آگاهی و توانمند سازی آنان در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی می شود و زنان ضمن آگاهی از حقوق خاص خود، در پیگیری مباحث تبعیض جنسیتی اهتمام جدی تری از خود بروز می دهند ولی در عرصه سیاسی به دلیل برخورداری زنان از خلق و خوی و روحیات سیاسی محافظه کارانه، حضور آنان در حوزه های اجتماعی در آینده منجر به غلبه فرهنگ سیاسی تبعی بر جامعه خواهد شد.

**کلید واژه ها:** آموزش، پیامدهای سیاسی، تحرک اجتماعی، فرهنگ سیاسی، مردسالاری

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول : کلیات تحقیق

|    |   |
|----|---|
| ۱  | مقدمه .....                             |
| ۲  | ۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی .....      |
| ۵  | ۱-۲- کلید واژه ها .....                 |
| ۵  | ۱-۲-۱- آموزش .....                      |
| ۵  | ۱-۲-۲- پیامدهای سیاسی .....             |
| ۵  | ۱-۲-۳- تحرک اجتماعی .....               |
| ۶  | ۱-۲-۴- فرهنگ سیاسی .....                |
| ۶  | ۱-۲-۵- مردسالاری .....                  |
| ۶  | ۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق ..... |
| ۱۰ | ۱-۴- اهداف تحقیق .....                  |
| ۱۰ | ۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق .....           |
| ۱۱ | ۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق .....           |
| ۱۲ | ۱-۷- فرضیه ها .....                     |
| ۱۲ | ۱-۸- روش تحقیق .....                    |
| ۱۳ | ۱-۹- ابزار تجزیه و تحلیل .....          |

### فصل دوم : جایگاه علم و دانش در جوامع بشری

|    |  |
|----|--|
| ۱۵ | مقدمه .....                                    |
| ۱۶ | ۲-۱- چیستی و اهمیت علم و علم آموزی .....       |
| ۱۸ | ۲-۲- دیدگاه برخی اندیشمندان درباره آموزش ..... |
| ۱۹ | ۲-۳- جایگاه علم دانش در عصر کنونی .....        |
| ۲۱ | ۲-۴- علم دانش، ملاک قدرت .....                 |
| ۲۳ | ۲-۵- تحقق جامعه دانایی محور .....              |

## فصل سوم : تاریخچه آموزش و آموزش عالی در ایران

|   |    |
|---|----|
| مقدمه .....   | ۲۶ |
| ۱-۳- تاریخچه آموزش های سنتی،مزایا و نواقص آن در عرصه تولید دانش ..... | ۲۷ |
| ۲-۳- آموزش جدید در ایران .....  | ۲۷ |
| ۳-۳- آموزش عالی .....   | ۳۱ |
| ۱-۳-۳- تاریخچه آموزش عالی در جهان .....                               | ۳۱ |
| ۲-۳-۳- تاریخچه آموزش عالی در ایران .....                              | ۳۲ |
| ۴-۳- اهداف آموزش عالی .....   | ۳۶ |
| ۱-۴-۳- آموزش عالی و توسعه اقتصادی .....                               | ۳۷ |
| ۲-۴-۳- آموزش عالی و توسعه اجتماعی .....                               | ۳۸ |
| ۳-۴-۳- آموزش عالی و توسعه سیاسی .....                                 | ۳۸ |
| ۴-۴-۳- آموزش عالی و توسعه فرهنگی .....                                | ۳۹ |
| ۵-۴-۳- آموزش عالی و توسعه انسانی .....                                | ۳۹ |
| ۵-۳- وضعیت آموزش عالی در ایران .....                                  | ۴۰ |

## فصل چهارم : وضعیت آموزش زنان در ایران

|  |    |
|--|----|
| مقدمه .....  | ۴۵ |
| ۱-۴- اهمیت و لزوم سرمایه گذاری در آموزش زنان ..... | ۴۶ |
| ۲-۴- ابعاد اقتصادی و آثار خارجی آموزش زنان .....   | ۴۷ |
| ۳-۴- زنان و توسعه .....                            | ۴۹ |
| ۱-۳-۴- توسعه و سیر تاریخی آن .....                 | ۴۹ |
| ۲-۳-۴- نظریات مربوط به توسعه .....                 | ۵۱ |
| ۳-۳-۴- نقش و جایگاه زنان در تحقق توسعه .....       | ۵۲ |
| ۱-۳-۳-۴- جنس و جنسیت .....                         | ۵۳ |
| ۴-۳-۴- توانمندسازی زنان در امر توسعه .....         | ۵۴ |
| ۴-۴- اشتغال زنان در ایران .....                    | ۵۶ |
| ۱-۴-۴- تاریخچه اشتغال زنان در ایران .....          | ۵۶ |

- ۵۸ ..... ۴-۵- پیشینه آموزش دختران در ایران
- ۵۹ ..... ۴-۵-۱- تعلیم و تربیت دختران پیش از مدارس جدید
- ۵۹ ..... ۴-۵-۱-۱- مکتب خانه ها
- ۵۹ ..... ۴-۵-۱-۲- تدریس خصوصی در منازل
- ۶۰ ..... ۴-۵-۱-۳- فراگیری دروس حوزوی
- ۶۰ ..... ۴-۵-۱-۴- آموزش غیر رسمی
- ۶۱ ..... ۴-۵-۲- تعلیم و تربیت دختران پس از مدارس جدید
- ۶۱ ..... ۴-۵-۲-۱- دختران مسلمان در مدارس آمریکایی
- ۶۲ ..... ۴-۵-۲-۲- اهداف پنهان تاسیس مدارس دخترانه خارجی در ایران
- ۶۲ ..... ۴-۵-۲-۳- موضع مجلس و مشروطه خواهان در قبال مدارس جدید
- ۶۳ ..... ۴-۵-۳- رواج مدارس جدید
- ۶۴ ..... ۴-۵-۳-۱- واکنش مردم نسبت به مدارس جدید
- ۶۵ ..... ۴-۵-۳-۲- علت مخالفت علما با مدارس جدید
- ۶۶ ..... ۴-۵-۴- تاثیر مدارس جدید و قدیم در آموزش دختران
- ۶۷ ..... ۴-۶- دیدگاه اسلام در مورد آموزش زنان
- ۶۸ ..... ۴-۶-۱- بررسی آیات و روایات
- ۶۹ ..... ۴-۶-۲- تساوی زن و مرد در حق آموزش
- ۷۰ ..... ۴-۷- وضعیت کنونی آموزش زنان در ایران

### فصل پنجم : دانشگاه و سیاست در کشورهای جهان سوم

- ۷۵ ..... مقدمه
- ۷۶ ..... ۵-۱- جهان سوم
- ۷۷ ..... ۵-۱-۱- برخی مشکلات و مسائل کشورهای جهان سوم
- ۷۸ ..... ۵-۱-۱-۱- ضعف زیرساخت های اقتصادی
- ۷۸ ..... ۵-۱-۱-۲- عدم توسعه ارتباطات
- ۷۸ ..... ۵-۱-۱-۳- کمبود انرژی و یا ضعف در بهره وری بهینه از آن
- ۷۹ ..... ۵-۱-۱-۴- ضعف نظام آموزش و پرورش



|  |    |
|--|----|
| ۵-۱-۱-۵- فرار مغزها پدیده ویران کننده جهان سوم .....                             | ۷۹ |
| ۵-۱-۱-۶- وجود نظامهای سیاسی استبدادی .....                                       | ۷۹ |
| ۵-۲- احزاب سیاسی .....   | ۸۰ |
| ۵-۲-۱- ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی .....  | ۸۱ |
| ۵-۲-۲- علل ضعف و ناپایداری احزاب در جهان سوم .....                               | ۸۲ |
| ۵-۲-۳- علل ناکارآمدی احزاب در ایران .....  | ۸۳ |
| ۵-۲-۳-۱- استبداد و ساختار مطلقه قدرت .....                                       | ۸۳ |
| ۵-۲-۳-۲- فقدان امنیت و وجود احساس ناامنی .....                                   | ۸۴ |
| ۵-۲-۳-۳- فقدان تحولات بنیادین در صورت بندی اجتماعی و تقابل میان سنت و تجدد ..... | ۸۵ |
| ۵-۲-۳-۴- بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به جایگاه احزاب .....                       | ۸۵ |
| ۵-۲-۳-۵- ضعف جامعه مدنی و نبود یا کمبود تجربه مشارکت سیاسی .....                 | ۸۶ |
| ۵-۲-۳-۶- وجود احزاب دستوری و وابسته به دولت .....                                | ۸۶ |
| ۵-۲-۳-۷- وابستگی احزاب به بیگانگان و ایدئولوژی الحادی .....                      | ۸۷ |
| ۵-۳- جنبش دانشجویی .....   | ۸۸ |
| ۵-۳-۱- جنبش دانشجویی در ایران .....  | ۹۲ |
| ۵-۳-۱-۱- موج اول (چپ مارکسیستی) .....  | ۹۳ |
| ۵-۳-۱-۲- موج دوم (اسلام گرایی) .....   | ۹۴ |
| ۵-۳-۱-۳- موج سوم (لیبرالیسم گرایی) .....   | ۹۶ |

### فصل ششم : زنان و مشارکت سیاسی

|   |     |
|---|-----|
| مقدمه .....                                       | ۹۸  |
| ۶-۱- تعریف مشارکت سیاسی .....                     | ۹۹  |
| ۶-۲- مشارکت سیاسی زنان .....                      | ۱۰۱ |
| ۶-۳- وضعیت مشارکت سیاسی زنان در دنیا .....        | ۱۰۲ |
| ۶-۴- آراء و نظرات پیرامون مشارکت سیاسی زنان ..... | ۱۰۵ |
| ۶-۴-۱- نظریه فمینیسم .....                        | ۱۰۶ |
| ۶-۴-۱-۱- تاریخچه فمینیسم .....                    | ۱۰۶ |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۰۷ | ..... نظریه های فمینیستی ..... ۲-۱-۴-۶   |
| ۱۱۱ | ..... گرایش های فمینیستی در دوران معاصر ..... ۳-۱-۴-۶                          |
| ۱۱۶ | ..... گرایش های فمینیستی در ایران ..... ۴-۱-۴-۶                                |
| ۱۱۹ | ..... نظریه جامعه پذیری سیاسی ..... ۲-۴-۶                                      |
| ۱۲۰ | ..... دیدگاه ساختی ..... ۳-۴-۶   |
| ۱۲۰ | ..... دیدگاه وضعیتی ..... ۴-۴-۶  |
| ۱۲۱ | ..... نظریه تضاد ..... ۵-۴-۶   |
| ۱۲۱ | ..... نظریه کارکردگرایی ..... ۶-۴-۶  |
| ۱۲۲ | ..... مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام ..... ۵-۶                              |
| ۱۲۴ | ..... دیدگاه علما و فقها درباره صلاحیت زنان برای مسئولیت های سیاسی ..... ۱-۵-۶ |
| ۱۲۸ | ..... تاریخچه مشارکت سیاسی زنان در غرب ..... ۶-۶                               |
| ۱۲۹ | ..... پیشینه تاریخی مشارکت سیاسی زنان در غرب ..... ۱-۶-۶                       |
| ۱۳۱ | ..... سابقه مشارکت سیاسی زنان ایرانی ..... ۲-۶-۶                               |
| ۱۳۲ | ..... نگاهی اجمالی به فعالیت های سیاسی زنان در دوران باستان ..... ۱-۲-۶-۶      |
| ۱۳۲ | ..... فعالیت های سیاسی زنان در دوران قاجار ..... ۲-۲-۶-۶                       |
| ۱۳۳ | ..... نقش و مشارکت سیاسی زنان در دوران پهلوی ..... ۳-۲-۶-۶                     |
| ۱۳۴ | ..... نقش سیاسی زنان در شکل گیری انقلاب اسلامی ..... ۴-۲-۶-۶                   |
| ۱۳۶ | ..... حضور زنان در عرصه انتخابات و رای گیری ها ..... ۵-۲-۶-۶                   |
| ۱۳۷ | ..... حضور زنان در عرصه مدیریت سیاسی جامعه ..... ۷-۶-۶                         |
| ۱۳۸ | ..... قوه مقننه ..... ۱-۷-۶  |
| ۱۳۹ | ..... شوراهای اسلامی شهر و روستا ..... ۲-۷-۶                                   |
| ۱۳۹ | ..... قوه مجریه ..... ۳-۷-۶  |
| ۱۴۰ | ..... قوه قضائیه ..... ۴-۷-۶   |
| ۱۴۱ | ..... بررسی وضعیت زنان در سطوح مدیریتی کشور ..... ۸-۶                          |
| ۱۴۲ | ..... عوامل بازدارنده مشارکت زنان در سطوح مدیریتی کشور ..... ۱-۸-۶             |
| ۱۴۲ | ..... غالب بودن فرهنگ مردسالاری در سازمانها ..... ۱-۱-۸-۶                      |
| ۱۴۲ | ..... مشکلات ناشی از نقش های دوگانه زنان ..... ۲-۱-۸-۶                         |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۴۲ | ..... ۳-۱-۸-۶- نگرش و باورهای غلط جامعه  |
| ۱۴۳ | ..... ۴-۱-۸-۶- عدم خودباوری و اعتماد به نفس در بین زنان                            |
| ۱۴۳ | ..... ۵-۱-۸-۶- فقدان فرصت های آموزشی برابر   |
| ۱۴۴ | ..... ۶-۱-۸-۶- اشتغال زن و مسائل حقوقی   |
| ۱۴۴ | ..... ۲-۸-۶- عوامل پیش برنده مشارکت موثر زنان در سطوح مدیریتی کشور                 |
| ۱۴۴ | ..... ۱-۲-۸-۶- تغییر نقش و انتظارات زنان   |
| ۱۴۵ | ..... ۲-۲-۸-۶- حضور زنان توانمند در عرصه های مدیریتی در ایران و سایر کشورها        |
| ۱۴۵ | ..... ۳-۲-۸-۶- حمایت مقامات کشور از حضور زنان در عرصه های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی |
| ۱۴۵ | ..... ۴-۲-۸-۶- اعلامیه های جهانی حقوق زن   |
| ۱۴۵ | ..... ۵-۲-۸-۶- شکستن سقف شیشه ای   |
| ۱۴۶ | ..... ۶-۲-۸-۶- استفاده موثر و مناسب از رسانه های گروهی                             |

### فصل هفتم : پیامدهای سیاسی افزایش تعداد دختران دانشجو

|     |  |
|-----|--|
| ۱۴۷ | ..... مقدمه  |
| ۱۴۸ | ..... ۱-۷- پدیده افزایش حضور دختران در دانشگاهها                                     |
| ۱۴۹ | ..... ۲-۷- علل افزایش حضور دختران در دانشگاهها                                       |
| ۱۴۹ | ..... ۱-۲-۷- دستیابی به منزلت اجتماعی  |
| ۱۵۰ | ..... ۲-۲-۷- رقابت در شرایط نامساوی  |
| ۱۵۱ | ..... ۳-۲-۷- تغییر نگرش جامعه نسبت به آموزش زنان                                     |
| ۱۵۱ | ..... ۴-۲-۷- مدرک گرایی  |
| ۱۵۱ | ..... ۵-۲-۷- تغییر در الگوهای حاکم بر بازار کار                                      |
| ۱۵۲ | ..... ۶-۲-۷- تحقیر کارویژه ها و نقش های جنسیتی زنان در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی |
| ۱۵۲ | ..... ۳-۷- آثار و پیامدهای سیاسی افزایش زنان تحصیلکرده                               |
| ۱۵۳ | ..... ۱-۳-۷- تاثیر دانشگاه بر افزایش آگاهی های زنان                                  |
| ۱۵۵ | ..... ۲-۳-۷- دانشگاه و تجهیز زنان به قدرت نرم  |
| ۱۵۸ | ..... ۳-۳-۷- تاثیر دانشگاه در توانمندسازی زنان                                       |
| ۱۵۸ | ..... ۱-۳-۳-۷- ضرورت توانمندسازی زنان  |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۶۰ | ..... ۲-۳-۳-۷ دانشگاه و آموزش مهمترین کانال های توانمند سازی زنان  |
| ۱۶۱ | ..... ۳-۳-۳-۷ توانمندسازی اقتصادی                                  |
| ۱۶۲ | ..... ۴-۳-۳-۷ توانمندسازی سیاسی                                    |
| ۱۶۲ | ..... ۵-۳-۳-۷ توانمندسازی فرهنگی                                   |
| ۱۶۴ | ..... ۴-۳-۷ تاثیر دانشگاه بر مشارکت آگاهانه زنان                   |
| ۱۶۷ | ..... ۵-۳-۷ افزایش دانشجویان دختر و غلبه فرهنگ سیاسی تبعی در جامعه |
| ۱۶۷ | ..... ۱-۵-۳-۷ زنان و فرهنگ سیاسی جامعه                             |
| ۱۶۸ | ..... ۲-۵-۳-۷ تعریف فرهنگ سیاسی                                    |
| ۱۶۹ | ..... ۳-۵-۳-۷ انواع فرهنگ سیاسی                                    |
| ۱۷۱ | ..... ۴-۵-۳-۷ فرهنگ سیاسی زنان                                     |
| ۱۷۴ | ..... ۵-۵-۳-۷ الگوهای رفتار سیاسی زنان                             |
| ۱۷۷ | ..... ۶-۳-۷ تاثیر دانشگاه و آموزش بر پیگیری مباحث نابرابری جنسیتی  |
| ۱۷۸ | ..... ۷-۳-۷ افزایش دانشجویان دختر و آینده جنبش دانشجویی            |
| ۱۸۰ | ..... ۴-۷ خلاصه و نتیجه گیری                                       |
| ۱۸۴ | ..... ۱-۴-۷ راهکارها و پیشنهادات                                   |
| ۱۸۶ | ..... منابع و ماخذ   |

## فصل اول

### کلیات

#### مقدمه

از جمله مسائل مهمی که امروزه درباره آن بسیار بحث و گفتگو صورت می‌گیرد و به ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود، مسئله حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی می‌باشد. زنان از جمله اقشار جامعه هستند که در دنیا همواره مورد انواع تبعیضات و نابرابری‌ها قرار گرفته و در دوران‌های مختلف به دلایلی متعدد، از حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی ممانعت بعمل آمده و بنوعی در چهاردیواری خانه محبوس و منزوی شده‌اند. اما با گذر زمان و تغییر شرایط و بروز برخی محذورات اجتماعی، زنان توانستند بتدریج در برخی عرصه‌های اجتماعی حضور پیدا کرده و باری از مسئولیت‌های جامعه را بدوش بگیرند و ضمن افزایش توانمندی‌های خود، دید افکار عمومی را نسبت به زن و حضور اجتماعی او تغییر دهند. زنان از این طریق نشان دادند که نیروی‌های بالقوه جامعه هستند که تاکنون جامعه از وجود آنان بهره‌کافی و لازم را نبرده است و بر این اساس کم‌کم جای پای حضور و لزوم حضور خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی را محکم و ثابت کردند.

در کشور ما ایران نیز با مساعدتر شدن شرایط برای حضور زنان در اجتماع بتدریج شاهد افزایش حضور آنان می‌باشیم که به تبع، استقبال زنان از کانالها و مسیرهای که از طریق آن می‌توانند به شکلی موثرتر در جامعه حضور یابند نیز بیشتر شده است. از جمله مهمترین این کانالها می‌توان به آموزش عالی و دانشگاهها اشاره کرد که در واقع به عنوان کارخانه‌های انسان‌سازی و تامین‌کننده نیروی انسانی کشور در راه توسعه و پیشرفت شناخته می‌شوند. این مهم منجر بدان شده که بحث و تبادل نظر در مورد پیامدهای ناشی از این تحول در حوزه‌های مختلف

مورد توجه قرار گیرد و ضمن تبادل نظر راهکارها و برخورد های منطقی نیز نسبت بدان اتخاذ شود. در این نگارش نیز سعی داریم پیامدهای این تحول را از منظر سیاسی مورد بررسی قرار دهیم. بر این مبنا در این فصل ضمن تشریح مسئله مورد نظر به کلیاتی از موضوع مورد بررسی، تحقیقاتی که حول این موضوع صورت گرفته، بیان اهداف و فرضیات و چهارچوب نظری و غیره می پردازیم.

## ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی:

یکی از مهمترین تحولات اجتماعی که طی سالهای اخیر در کشورمان ایران شاهد آن بوده ایم، پدیده افزایش تعداد دختران در دانشگاههای باشد. در واقع از سال ۱۳۷۷ بود که برای اولین بار تعداد دختران پذیرفته شده در دانشگاههای کشور بر تعداد پسران فزونی یافت و از آن سال به بعد هر ساله این روند به شکلی صعودی تداوم یافت. براساس آمار، میزان دختران دانشجو در سال ۱۳۷۷ در مقایسه با پسران ۵۲/۱ درصد، در سال ۱۳۷۸ به ۵۷/۲ درصد، در سال ۱۳۷۹ به ۵۹/۹ درصد، در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به ۶۲ درصد رسید (نقوی، ۱۳۸۵: ۱۵). این روند صعودی همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۸۸ طبق گفته سازمان سنجش تعداد داوطلبین دختر حدود ۶۸ درصد و تعداد داوطلبین پسر ۳۲ اعلام گردید، یعنی افزایش بیش از دوبرابری دختران در برابر پسران.

در باب دلایل افزایش حضور دختران در دانشگاهها دیدگاهها و نظرات مختلفی وجود دارد که شاید بتوان گفت مهمترین و مستحکمترین آنها دیدگاهی است که علت افزایش دختران دانشگاهی را نتیجه مستقیم کاهش تعداد پسران دانشجو و میل و رغبت کم آنها نسبت به ادامه تحصیل می داند. در واقع می توان در باب این رخداد دو دلیل عمده را ذکر کرد که عبارتند از: ۱- کاهش حضور پسران و میزان میل و رغبت آنان به آموزش عالی و مواجهه با موانع مختلف در این مسیر از جمله خدمت سربازی-۲- افزایش تمایل و رغبت دختران نسبت به طی مدارج علمی و دانشگاهی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله تغییر نگرش عمومی جامعه در قبال آموزش دختران و همچنین اینکه زنان و دختران آموزش عالی را به عنوان راهرویی برای خروج از انزوای چهار دیواری خانه و مقدمه ورود به عرصه عمومی و اجتماع می دانند. البته این مبحث خود شرح مفصلی دارد که سعی می شود در این نگارش اشاره اجمالی بدان صورت پذیرد.

به عنوان توضیح بیشتر می توان چنین گفت که همواره آموزش عالی یکی از عناصر کلیدی فرآیند های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهایی محسوب می شود که خواهان قدم گذاشتن در مسیر توسعه و پیشرفت می باشند. طی دهه های اخیر، کشورهای زیادی از جمله ایران به نحوی دست به گسترش آموزش عالی زده اند که البته با استقبال و مشارکت گسترده ی زنان مواجه شده است و موفقیت آنان در ورود به عرصه های علمی و اجتماعی را نشان می دهد (شکوری راد، ۱۳۸۰: ۴۸). علت اصلی این رخداد نیز اهمیت و جایگاه برتر علم و دانش در عصر کنونی می باشد، عصری که با نام "عصر اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات" شناخته می شود و در آن بی شک اهمیت علم و دانش و میزان کاربرد آن در زندگی بشری بر هیچ کس پوشیده نیست، چرا که دیگر قدرت سخت که در گذشته معیار عمل و رفتار بود امروزه جای خود را به "قدرت نرم"<sup>۱</sup> داده است. قدرتی که بر مبنای اطلاعات و دانش استوار است، به شکلی که امروزه همه امور حتی امور روزمره افراد بشر نیز به سرعت رو به سوی الکترونیکی شدن پیش می رود. فوکو نیز در این خصوص ارتباط بین دانش و قدرت را خاطر نشان کرده است (ضیمران، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

بر این اساس می توان گفت زنان بیش از سایر گروهها می توانند از تغییر و تحولات جدید، بهره جویی کنند و این خود همان مجهز شدن زنان جامعه به قدرت نرم است که به آنان اجازه قدرت نمایی و حضور در عرصه هایی را می دهد که تا کنون از آنها منع می شدند و یا از پتانسیل لازم برای ورود به آن عرصه ها برخوردار نبودند. از سویی نیز به آنان این مجال را می دهد که از این طریق به تغییر نگرشها و باورهای سنتی عمومی جامعه که تا کنون منجر به محدودیتهای مختلف و کنار زدن زنان از عرصه های عمومی و به نوعی سد راه پیشرفت و ترقی آنان شده است، بپردازند که در این میان عرصه ی سیاست یکی از چالش برانگیز ترین این موارد خواهد بود.

بی شک یکی از عرصه هایی که در طول تاریخ، مردسالاری بر آن سایه افکنده است، عرصه ی سیاست می باشد. به نظر می رسد که زنان هیچ گاه در هیچ جامعه ای به عنوان یک گروه (نه بصورت فردی) قدرت حاکمه را در قلمرو عمومی در اختیار نداشته اند (مشیرزاده، ۱۳۷۹: ۷۴). در طول تاریخ بشری، قدرت در قالب سیاست همواره امری مردانه بوده و این مردان بوده اند که همیشه بر مسند حکومت تکیه می زده اند. از آنجا که مردان بیشتر با خصلتهایی چون رقابت طلبی، خشونت، قدرت طلبی، بی رحمی، غلبه و تحت سلطه در

---

<sup>1</sup>-Soft Power

آوردن دیگران و جنگجویی شناخته می شوند، بسیاری علت اصلی بروز جنگ های مختلف، در طول تاریخ را ناشی از همین جو مردسالارانه حاکم بر سیاست می دانند که در واقع تحت تاثیر خلق و خوی مردانه قرار گرفته است. براین اساس بسیاری معتقدند در صورتی که زنان فرصت ورود به عرصه سیاست و حکومت را بدست بیاورند، به نوعی جهان رو به سوی آرامش و صلح طلبی می رود چرا که زنان به طور کلی دارای خصلت عذوفت، ترحم، صلح طلبی و پرهیز از خشونت می باشند و به قدرت رسیدن آنان منجر به دگرگونی عمیقی در مناسبات سیاسی خواهد شد، زیرا خلق و خوی آنان بسیار متفاوت از مردان است. به طور کلی در مورد خصلتهای سیاسی زنان می توان چنین گفت که رفتارهای سیاسی زنان بر آمده از احساسات و حالات روحی-عاطفی آنان می باشد که منجر به تفاوت در برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی در مواجهه با مردان می شود.

برهمن مبنا عضویت زنان در سازمانها و احزاب سیاسی کم و حتی وظایف آنان در اغلب احزاب محدود به امور فرهنگی و روابط عمومی می باشد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۹۰). این بدان معنا نیست که زنان رغبتی برای ورود به عرصه سیاست ندارند بلکه منظور آنست که جو سیاسی مردانه را نمی پسندند و در اثر تحولات رخ داده، اگر از طریق مجاری چون دانشگاه و مسلط شدن به قدرت نرم به تدریج مسند امور را بدست بگیرند، بی شک فضای سیاسی مردانه کنونی را تغییر داده، باعث دگرگونی اوضاع سیاسی جامعه می شوند.

در کل این تحول نیروی انسانی در کشورمان پیامدهای آشکاری را در پی خواهد داشت، تحولی که طی چندین سال گذشته بسیاری از نگاهها را به خود معطوف ساخته و بسیاری از مسئولان و صاحب نظران را به تفکر نسبت به بررسی دلایل و پیامدهای آن واداشته و حتی برخی از این پدیده به عنوان یک معضل بزرگ یاد کرده اند. این وضعیت جدید ایجاب می کند، این پدیده ی نوظهور با رویکردهای مختلف در حوزه های گوناگون مورد کنکاش و کالبد شکافی قرار گیرد و با شناسایی آثار و پیامدهای آن، نوعی واکنش و تصمیم سنجیده و منطقی نسبت بدان صورت پذیرد، چرا که با توجه به مطالب فوق طبیعتاً در آینده ای نزدیک بخش عظیمی از خروجی و فارغ التحصیلان دانشگاههای ما را دختران و زنان تحصیلکرده تشکیل می دهند که به عنوان سرمایه های انسانی و نیروی کار ماهر و متخصص جامعه در بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مسئولیتها و پستهای را برعهده می گیرند و بر همین اساس شاهد تغییراتی اساسی در همه ابعاد ذکر شده خواهیم بود، تحولاتی که پرداختن به آنها خالی از فایده نخواهد بود. ولی از آنجا که بررسی تاثیر همه جانبه این امر از عهده این جستار خارج می باشد، در اینجا نگارنده قصد



دارد تنها به بررسی پیامدهای این تحول از منظر سیاسی در چهارچوب نظریه «بسیج اجتماعی»<sup>۲</sup> کارل دویچ (Karl Deutsch, 1982) پردازد.

## ۱-۲ کلید واژه ها:

### ۱-۲-۱ آموزش (Education)

ریشه ی این لغت در زبان فارسی به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش ترجمه شده است که منظور پروسه ای می باشد که بوسیله ی آن موجودات عقلانی تربیت شده و از طریق آن عقاید، احساسات و ارزش های مربوط به فرهنگ را کسب می کنند. بنابراین در این پژوهش، آموزش شامل عملی هدفدار می باشد که از طریق فردی بر فرد دیگر خصوصاً از سوی بزرگسال بر روی خردسال انجام می شود و آموزشهای دولتی و رسمی مخصوصاً دوران آموزش عالی را با توجه به کارکرد جامعه پذیری آن مورد توجه قرار می دهد (شکوهی؛ ۱۳۷۳: ۲۴).

### ۱-۲-۲ پیامدهای سیاسی (Political Consequences)

پیامد به مجموعه نتایج، عواقب و تاثیراتی گفته می شود که پس از رخداد یک حادثه و یا بروز یک تغییر و تحول می توان در انتظار آن بود که به نوعی حالت معلولی دارد یعنی اینکه ابتدا باید علتی وجود داشته باشد و امری به وقوع بپیوندد و سپس پیامد آن قابل تصور باشد. البته می توان پیامدهای هر رویدادی را با توجه با منافع و زیانهایی که برای مجموعه در پی خواهد داشت به دو نوع مثبت و منفی دسته بندی کرد. بنابراین منظور از پیامدهای سیاسی نیز مجموعه تاثیراتی است که یک حادثه یا تغییر بر فضای سیاسی جامعه اعمال می کند، که البته با توجه به منافع گروههای مختلف جامعه می تواند تبعات و بازخورد های مثبت و منفی بر جامعه و سیستم حکومتی داشته باشد.

### ۱-۲-۳ تحرک اجتماعی (Social Mobility)

امکان بالا یا پایین رفتن یک فرد یا گروه اجتماعی از یک طبقه یا رده اجتماعی به طبقه یا رده دیگر و یا انتقال فرد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر. مفهوم تحرک اجتماعی در جامعه شناسی غرب این است که اعضای مختلف گروهها و لایه های مختلف اجتماع در نتیجه لیاقت، بی لیاقتی یا مختصات روحی خود بالا یا پایین

---

<sup>2</sup> - Social Mobilization Theory

می روند. قابلیت تحرک اجتماعی همانند یک دریچه ی اطمینانی است که احتمال متوسل شدن طبقات پایین جامعه به اقدامات انقلابی را کاهش می دهد (آشوری؛ ۱۳۸۲: ۹۵).

### ۱-۲-۴ فرهنگ سیاسی (Political Culture)

فرهنگ سیاسی عبارت است از نظام ارزشها، باورها و سمبولهایی که پایه عمل یا کنش سیاسی افراد جامعه قرار می گیرد (Pye and Verba, 1966:8)، که اغلب به سه نوع تقسیم بندی می شود، الف: فرهنگ سیاسی محدود<sup>۳</sup> که در آن شهروندان از نظام سیاسی خود آگاهی کمی دارند و یا اصلاً آگاهی ندارند. ب: فرهنگ سیاسی تبعی<sup>۴</sup>، افراد جامعه از برخی عملکردها و نقشهای حکومت آگاهی دارند و به نوعی در رفتارهای سیاسی به تبعیت از حاکمیت می پردازند. ج: فرهنگ سیاسی مشارکتی<sup>۵</sup>: در این فرهنگ مردم در زندگی سیاسی مشارکت فعال داشته و از ساختارها، روند و خواستههای نظام سیاسی خود آگاهی دارند و بر اساس آن در کار تصمیم گیری دخالت می کنند (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

### ۱-۲-۵ مردسالاری (Patriarchy)

نوعی سازمان اجتماعی که رایجترین شکل آن با قدرت پدر و پدرتباری (تبار فرزندان از طرف پدر تعیین می شود) و پدرمکانی (زن پس از ازدواج به اقامتگاه شوهر می آید) مشخص می شود و برتری سیاسی مردان و محرومیت زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی از ویژگیهای آن است. در واقع نوعی سلطه مردان بر زنان که در بسیاری از جوامع وجود داشته و دارد که از اعتقاد به فرودستی زنان نسبت به مردان سرچشمه می گیرد و موجب شده است که راه بر ابراز وجود و فعالیتهای اجتماعی زنان بسته شود (آشوری؛ ۱۳۸۲: ۲۹۹).

### ۱-۳ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

در باب کلیت این موضوع یعنی افزایش مشارکت اجتماعی زنان در جامعه و روند صعودی سهم خواهی آنان از عرصه عمومی، تحقیقات و مطالعات فراوانی طی چند دهه گذشته صورت گرفته است که اغلب آنها به توصیف مسئله و بستر سازی برای گسترش مشارکت زنان در اجتماع پرداخته اند و به نوعی در صدد اصلاح

<sup>3</sup>- Limited Political Culture

<sup>4</sup>- Subordinate Political Culture

<sup>5</sup>-Participation Political Culture

باورهای سنتی نادرست و محدود کننده در مورد زنان و عادی سازی حضور زن در اجتماع بوده اند و کمتر به طور خاص به بررسی نتایج و پیامدهای این مورد از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و غیره پرداخته اند. در ذیل به برخی از مهمترین آنها که ارتباط نزدیکی با تحقیق حاضر دارند، اشاره می شود.

پیشگامی فرد و زهرا اسدی راد (۱۳۸۴)، در قالب پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه های قانونگذاری» به بررسی تاثیر حضور زنان در آموزش عالی بر مشارکت آنان در عرصه های قانونگذاری پرداخته اند. بدین منظور بخشی از این پژوهش به بررسی پدیده افزایش سهم زنان در آموزش عالی پرداخته است و بخش دیگر به بیان پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این مسئله می پردازد. محققین در طول این تحقیق چنین نتیجه می گیرند که اگرچه ظاهراً شاهد افزایش سهم زنان در آموزش عالی بوده ایم، ولی متناسب با آن، نقش آفرینی زنان در بخش های مدیریتی جامعه خصوصاً در بعد مدیریت اجرایی، در سطوح ملی و محلی افزایش نیافته است و در عرصه عمل تغییر چندانی بروز نکرده است. ولی در ادامه این نگارش معتقد است که شواهد به وضوح نشان می دهد که تقاضای زنان برای سهم خواهی در حکومت و اداره جامعه ایران روند رو به رشدی داشته که در آینده به جابه جایی میان زنان و مردان در ساختار قدرت منتهی خواهد شد.

موحد (۱۳۸۲)، در مقاله ای با عنوان «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن» بحث مشارکت سیاسی زنان را مورد بررسی قرار داده است. وی در ابتدا از فزونی یافتن سهم خواهی زنان در عرصه ی سیاست سخن گفته است و مشارکت زنان در همه ی عرصه های اجتماعی همانند سیاست را ضروری می داند به نحوی که اقلیت بودن زنان در امور سیاسی را موجب ناتمامی دموکراسی در جامعه می داند. در ادامه نگارنده به تعریفی از مشارکت سیاسی پرداخته و بنابر تعریف آبرکرامبی<sup>۶</sup> شرکت در فرایند های سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد و سیاست عمومی را تعیین می کند و یا بر آن اثر می گذارد را مشارکت سیاسی می نامند (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۶). وی در ادامه در باب سوابق حضور زنان در عرصه ی سیاسی، نهضت تنباکو در قرن نوزدهم را آغاز این حضور و نقطه ی عطف آن را انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ می داند که در آن زنان و جوانان به عنوان عمده ترین گروه های تاثیر گذار در انتخابات بودند و بعد از آن نیز اولین انتخابات شورای

---

<sup>6</sup>.N.Abercrombie

شهر، نشانگر حضور موفق زنان ایرانی در عرصه ی سیاسی بود که در مجموع ۳۰۰ زن در ۲۳۳ شورای شهر به عنوان عضو اصلی انتخاب شدند (کار، ۱۳۸۰: ۱۴۳). پژوهشگر در این مقاله طی تحقیق پیمایشی انجام شده، به این نتیجه رسیده است که میزان مشارکت زنان بر حسب، میزان تحصیلات، نوع اشتغال و طبقه ی اجتماعی آنان تفاوتی معنادار دارد، به نحوی که با بالا رفتن سطح تحصیلات یا اشتغال در مشاغلی که نیازمند سطوح بالای تحصیلی می باشد سطح مشارکت زنان افزایش یافته و بیشترین میزان مشارکت سیاسی زنان در میان طبقه متوسط دیده می شود.

شجاعی (۱۳۸۱)، در مقاله ای تحت عنوان «زنان در عرصه سیاست، تجربه زن ایرانی» به مسئله ی جایگاه و نقش حضور زنان در عرصه ی سیاست و حکومت پرداخته است. این نگارش چنین معتقد است که عموماً در طول تاریخ عرصه ی سیاست و حکومت عرصه ای مردانه بوده و در طول تمدن بشری قدرت در قالب سیاست را مردان اعمال می کردند و حتی امروزه علی رغم اینکه شاهد تحولات جدی در رابطه با حضور زنان سیاستمدار و حاکم در کشورهای مختلف بوده ایم، همچنان این عرصه مردانه باقی مانده و گفتمان غالب، گفتمان مردسالار، خشن و گاه زن ستیز می باشد. زنان به ندرت در راس وزارت خانه های مهمی چون اقتصاد و دارایی، دفاع، وزارت کشور قرار می گیرند و اغلب مسئولیت وزارت خانه های چون امور اجتماعی، بهداشت و محیط زیست را که آغشتگی کمتری به سیاست دارند را بر عهده می گیرند. از سوی دیگر نیز در سطح توده ها مشارکت سیاسی زنان بیشتر جنبه ی منفعلانه دارد و از این رو در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها نقش موثری را ایفا نمی کنند. این مقاله همچنین در بیان علل و موانع عدم مشارکت فعالانه ی زنان در عرصه ی سیاست مجموعه ای از عوامل روان شناختی (احساس بی قدرتی و بی انگیزگی) اقتصادی، اجتماعی (همچون فقدان منابع مالی و فقدان تجربه ی سیاسی)، فرهنگی، سیاسی و حقوقی را مورد توجه قرار می دهد. نگارنده معتقد است رهبری زنان بازتر، انعطاف پذیرتر، نرم تر و صلح طلبانه تر و همراه با شفقت بیشتری است و حضور آنان منجر به کمرنگ تر شدن جنگ و ستیز، توسعه ی صلح و صفا در مناسبات انسانی می شود.

نقوی (۱۳۸۱)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی زمینه های گرایش دانشجویان زن به آموزش عالی در دهه هفتاد» به بررسی عوامل موثر بر تمایل زنان به آموزش عالی می پردازد. این عوامل عبارتند از: علاقه مندی زنان به مشارکت سیاسی، توسعه ارتباطات، نگرش فرهنگی اقشار مختلف جامعه، علاقه مندی زنان به اشتغال، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی و نگرش والدین و همسر. وی در ضمن این پایان نامه بر اساس تحقیقات و